

## خبر

## توضیح دختران میرحسین موسوی درباره وضعیت والدین‌شان

به گزارش ایسنا به نقل از جماران، دختران میرحسین موسوی با انتشار پیامی توضیحاتی درباره وضعیت والدین‌شان ارائه کردند. در پیام کوتاه، زهرا و

نرگس موسوی درباره وضعیت والدین‌شان، با اشاره به شرایط ۱۵ سال‌ حصر خانگی و به‌ویژه چند ماه اخیر و دوران جنگ ۴۰ روزه، آمده است: «این شرایط موجب بیماری و عوارض سنگین و متعدد جسمی برای مهندس موسوی و دکتر زهنورد شده است. پس از آن، با حمایت‌های جناب آقای دکتر ظفرقندی، وزیر محترم بهداشت و درمان، پزشکان خبره، دلسوز و پرهمر و کادر درمانی و کارکنان بیمارستان قلب و سینا، در مدت ۲۰ روز بستری‌بودن مهندس موسوی در بیمارستان، تلاش، توجه و محبت فراوانی برای بهبود و نجات جان ایشان از آن وضعیت بسیار نگران‌کننده انجام شد. اکنون که آنها از بیمارستان مرخص شده‌اند، اگرچه مجدداً به همان شرایط دردناک انفصال از جامعه و محدودیت‌ها -که از مقصران اصلی احوال حاضر محصورین است- بازگردانده شده‌اند، ما فرزندان به همراه پدر و مادر، از همه دست‌اندرکاران دلسوز درمان و دوستان و عزیزانی که در این روزهای سخت کنار ما، جویای احوال و دعاگو بودند تشکر می‌کنیم و برای همگی آرزوی سلامتی و توفیق داریم.»

## یادداشت

## مسئولیت حقوقی رهبری و نهادهای نظام

مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیت‌های مشخصی دارند… در همه اینها رهبری نه می‌تواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد». (سخنرانی ۲۴ مهرماه ۱۳۹۰).
خب، همه سخن ما این است که همین معنا

را در ساختارهای تصمیم‌گیری و فضای سیاسی به‌وضوح و سادگی نهایندبه کنید تا کاشور از هوچی‌گری فارغ شود و همه مسئولیت‌ها خرد و کُلاَن کشور بر سر یک تن (رهبر) آوار نشود.
درک حقوقی این معنا و مهم‌تر از آن نهایندسازی آن برای نظام تصمیم‌گیری و به‌ویژه برای فضای سیاسی مهم است. به راستی چه ضرورتی است که نهادهایی که در حقوق اساسی ایران برساخته شده‌اند، از معنا و مفهوم و مسئولیت تهی بشوند؟ آنچنان که در مجلس شورا رفته است؟ مشکل اینجاست که اغلب خلاف این راه طی شده و چنین برگشته است، بلکه واگذاری حقوق اساسی هیچ‌کاره شوند.
طرفه آنکه در این فقره از یک سو مخالفان حکومت و از سوی دیگر «خودمطلبانداران» هم‌داستان هستند. با چنین رویکردی، رهبری نظام فاصله خود را از تصمیم‌گیری‌های کارشناسی حفظ می‌کند. اگر رهبر مسئولیت‌ها را به منتخبان ملت بسپارد، در عمل ملت و منتخبان آن نیز باید مسئولیت انتخاب خویش را بپذیرند. چنین است که این به معنای شاه‌ناله‌خالی‌کردن رهبر از زیر بار مسئولیت نیست، بلکه واگذاری حقیقی مسئولیت حقوقی و شخصیت کارشناسی به نمایندگان ملت است. در این هنگامه است که رهبر آخرین سنگ‌راهی هسته سخت نظام را حفظ می‌کند. و اگر آمریکا به زیر میز مذاکره بزند (که بسیار محتمل است)، همان‌ها که رهبری را با نظر کارشناسی خود همرها کرده‌اند، به صف همان هسته سخت می‌پیوندند؛ چون آنها هم خیرخواه ملت هستند. مشخص است که چرا عده‌ای نمی‌خوانند مسئله به این سادگی دیده شود و مقاومت را در تهمت به رقیبان، پایداری را در لجاجت با مردمان و وفاداری را در خودنمایی برای کسب جاه و مقام می‌بینند.
تظاهرات شبانه ایرانیان در سه ماه اخیر نشان داد بسیاری از کسانی که به این هسته سخت پیوستند، در مزبندی‌های مرسوم سیاسی به یک جناح و تفکر خاص تعلق نداشتند. بدین‌سان، رهبر در نظام جمهوری اسلامی به بنیانی‌ترین و «تتهاترین» محور هسته سخت نظام و ایران تبدیل می‌شود؛ یعنی اهرم فشار هسته سخت نظام همچنان و همواره قابلیت‌فعال‌سازی توده‌ای و گسترش مردمی را دارد. در هنگامه‌های بحران، همگان و همکنان به رهبر همچون هسته‌های سخت می‌نگرند و سیل خروشان ملت در بحر اتحاد او به موج مقاومت می‌رسد، و این دقیقه‌های مهمم برای امنیت ملی ایران است. بدین‌سان رهبری به نماد حاکمیت ملی تبدیل خواهد شد. یک مهارت مهم برای رهبران این است که بدانند در کجا و تا چه حد در امور دخالت «کنند».
طریقت موضوعی و شریعت رهبری دو مقوله جداگانگ است؛ یکی سرشار از منازعه است و دیگری پربار از وحدت، یکی فارغ از بار

ارزشی است و دیگری نماد هدایت ارزشی. «دخالت‌نکردن» یک مهارت مهم برای «رهبری‌کردن» است. پیام رهبری در توافق با آمریکا نمادی از همین معنا بود. اگر این معنا در دستنگاه حکومتی جمهوری اسلامی دقیقاً درک و تئوریزه شود و گروه‌های فشار از کار شکنی بازدارد، ما را از بسیاری آسیب‌ها و موازیکاری‌ها و منافع اقتصادی سیاسی بازخواهد داشت و بخش مهمی از نیروهای ملی و نظرات کارشناسی را به درون ساختار سیاسی بازخواهد گرداند. هراس هوچی‌گران، اندیشمندان را از میدان به در می‌کند. حوزه سیاست‌های عمومی حوزه نسیبات، اقتضانات، سعی و خطای دائمی است. قرار نیست گروه‌های ویژه‌خوار قدرت پتک تهمت را برای شیدایی منزلت خود برافرانند تا رقیبان را از میدان عقل به در کنند. فصل‌خطبایی رهبری در نظام نباید به معنای تعطیلی عقل و کاهش مشارکت مردمان به‌ویژه خیرگان و کارشناسان از همه طبقات ملی و مذهبی باشد. کارشناس ممکن است اشتباه کند و بهترین نظرات کارشناسی ممکن است در میدان تجربه زمین بخورد. نمی‌توان با هوچی‌گری و ترس از شکست، دریچه تعقل کارشناسی و دروازه اندیشه عمومی را به روی نظام تصمیم‌گیری بست. فقدان درک نظری از چنین دقیقه‌های کارگزاران نظام را در معرض تهمت خیانت قرار خواهد داد و روزبه‌روز مشارکت سیاسی مردمان و نجیبان را کاهش می‌دهد. ملتی موفق است که سرداران و جاساس سیاسی فراوان داشته باشد و رهبرش مهم‌ترین سردار و نه «تتهاترین سردار» باشد. اگر چنین شرایطی برای ارکان حقوق اساسی ایران شفاف شود، یک دستاورد مهم خواهد بود.

## کشورهای حاشیه خلیج فارس در پسا‌جنگ

باید از این فرصت تاریخی استفاده کرد. دست آنان را باید فشرد و جبهه متحدی برای رشد منطقه و تقویت راه‌های معیشت مردم ایجاد کرد. وقتی رهبران کشورهای خلیج فارس به این نتیجه رسیده‌اند و تلاش فراوانی برای تفاهم‌نامه کرده‌اند، این فرصت را سیاست خارجی و فعالان اقتصادی باید به فال نیک بگیرند و کشورهای عربی همسایه هم به آینده منطقه نگاه کرده و گذشته‌های نزدیک و دور را فراموش کنند. این تنها راه کندن دندان طمع آمریکا و اسرائیل نسبت به این منطقه است.

ایامه از صفحه اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

## با ادامه مرگ‌های مشکوک تنها پستاندار دریای خزر و نامشخص ماندن علت اصلی تلفات، «شرق» گزارش می‌دهد

# فوک‌های خزری در مسیر انقراض

**شرق**: «لاشه ۲۰ قلاده فوک خزری در سواحل دریای خزر پیدا شد.» «موج مرگ فوک‌های خزری ادامه دارد.» «تعداد فوک‌های خزری از بین رفته در سواحل شمال ایران به ۴۵ قلاده رسیده.» «پشت پرده مرگ فوک‌های خزری چیست؟» «دلایل مرگ فوک خزری در انزلی مشخص شد.» حالا دیگر خبر مرگ فوک‌های خزری نه یک اتفاق ناگهانی، که به رویه‌ای تلخ در حاشیه دریای خزر بدل شده است. تنها پستاندار بزرگ‌ترین دریاچه جهان، بدن بی‌جانش به ساحل می‌رسد و مؤسسات مربوطه، عدد و ارقام مربوط به این مرگ‌ها را ثبت می‌کنند. اما با وجود گذشت چندین سال از شروع این مرگ‌های پرتکرار، دلیل قطعی آن روشن نشده است.

اگرچه مرگ فوک‌های خزری را نمی‌توان به یک عامل واحد نسبت داد، تصویر کلی بیشتر شبیه انباشت چندین بحران است: تغییرات اقلیمی، کاهش سطح آب دریا، آلودگی‌های نفتی و صنعتی، صید بی‌رویه، تلفات ناشی از فعالیت‌های انسانی و احتمال بروز بیماری‌ها. به همین دلیل بسیاری از متخصصان معتقدند هر لاشه‌ای که به ساحل می‌رسد، فقط یک حیوان مرده نیست؛ نشانه‌ای است از فشاری که سال‌هاست بر اکوسیستم دریای خزر وارد می‌شود و اکنون در آسیب‌پذیرترین گونه آن خود را نشان داده است.

### فوک‌های خزری؛ هویت طبیعی ایران ساحلی

فوک خزری (Caspian Seal) تنها پستاندار دریای خزر و یکی از گونه‌های منحصربه‌فرد جانوری این پهنه آبی است. این حیوان که با نام علمی Pusa caspica شناخته می‌شود، هزاران سال است در اکوسیستم دریای خزر زندگی می‌کند و به دلیل محدودبودن زیستگاهش به ایس دریا، از نظر زیست‌شناسی اهمیت ویژه‌ای دارد. فوک خزری در فهرست گونه‌های در معرض خطر انقراض قرار دارد و حالا کاهش شدید جمعیت آن در دهه‌های اخیر نگرانی بسیاری از پژوهشگران و فعالان محیط زیست را برانگیخته است. پیش‌تر از آن اما باید توضیح داد دریای خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، یک اکوسیستم بسته و حساس محسوب می‌شود که هرگونه تغییر در آن می‌تواند بر تمام اجزای زنجیره غذایی اثر بگذارد. در این گستره وابه‌میت، فوک خزری در رأس هرم غذایی این اکوسیستم قرار دارد و در نتیجه نقش مهمی در حفظ تعادل جمعیت ماهیان و سایر آبزیان ایفا می‌کند. غذای اصلی این پستاندار را ماهیان کوچک، کیکلا و برخی سخت‌پوستان تشکیل می‌دهند. به همین دلیل وضعیت سلامت و جمعیت فوک‌ها می‌تواند شاخصی از سلامت کلی دریای خزر باشد. اما اهمیت فوک خزری فقط به نقش اکولوژیک آن محدود نمی‌شود. این گونه بخشی از هویت طبیعی و میراث زیستی کشورهای ساحلی خزر از جمله ایران، آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان به شمار می‌رود. حضور فوک‌ها نشان‌دهنده بویابی و سلامت محیط زیست دریایی است و از ایس‌منظر، بقای آنها با آینده اقتصادی و اجتماعی جوامع ساحلی نیز ارتباط دارد. همچنین، زندگی مردم سواحل خزر به شکل مستقیم و غیرمستقیم به سلامت این دریا وابسته است. صیادی، گردشگری، کشاورزی و حتی کیفیت زندگی شهرهای ساحلی تحت تأثیر شرایط زیست‌محیطی دریای خزر قرار دارند. هنگامی که جمعیت فوک‌ها کاهش می‌یابد یا تلفات گسترده‌ای در میان آنها رخ می‌دهد، این موضوع هر تواند هشداری دربارهٔ آلودگی آب، کاهش ذخایر آبزیان یا برهم‌خوردن تعادل اکولوژیک دریا باشد؛ عواملی که در نهایت معیشت انسان‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند.

### مرگ فوک‌ها؛ از داغستان تا انزلی

در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی از مرگ دسته‌جمعی فوک‌های خزری منتشر شده است. کارشناسان هم دلایل مختلفی را برای این پدیده مطرح می‌کنند؛ از جمله آلودگی‌های نفتی و صنعتی، ورود فاضلاب و مواد شیمیایی به دریا، کثرت‌شدن در توره‌های صیادی، بیماری‌های ویروسی، کاهش منابع غذایی و تغییرات اقلیمی. افزایش دمای آب و کاهش یخ‌های شمال دریای خزر نیز شرایط زادآوری این گونه را دشوارتر کرده است؛ زیرا فوک‌های خزری برای تولید مثل و نگهداری از نوزادان خود به سطوح یخی وابسته هستند. در این میان، مرگ فوک‌های خزری فقط از دست‌رفتن یک گونه جانوری نیست، بلکه نشانه‌ای از فشارهای فراینده بر کل اکوسیستم دریای خزر است. هرچه جمعیت این حیوان کاهش یابد، احتمال برهم‌خوردن خطه‌ای طبیعی دریا افزایش پیدا می‌کند. ازاین‌رو حفاظت از فوک خزری، در واقع حفاظت از سلامت دریا و خزر و تضمین‌کننده بخشی از آینده زیست‌محیطی و اقتصادی میلیون‌ها انسانی است که در سواحل این دریا زندگی می‌کنند. اگر مرگ فوک‌های خزری را در یک خط زمانی بررسی کنیم، سال ۲۰۲۲ نقطه‌ای تعیین‌کننده در بحران ثبت‌شده فوک خزری بود. ابتدا صدها لاشه در ساحل پیدا شد، اما با گسترش پایش‌ها تعداد تلفات به چند صد هزار ۵۰۰ قلاده رسید؛ رخدادی که توجه رسانه‌های بین‌المللی و نهادهای محیط‌زیستی را به خود جلب کرد. علت دقیق این مرگ‌ومیر هرگز به‌طور قطعی مشخص نشد.

برخی تحقیقات احتمال عوامل طبیعی را مطرح کردند، درحالی‌که فرضیه‌هایی مانند نشت گازهای طبیعی از بستر دریا، کمبود اکسیژن، بیماری‌ها یا مجموعه‌ای از تنش‌های زیست‌محیطی نیز مورد توجه قرار گرفت. البته ماجرا به سال ۲۰۲۲ محدود نمی‌شود. پیش از آن نیز سواحل داغستان بارها شاهد تلفات غیرعادی فوک‌ها بود. در سال ۲۰۱۶ حدود ۳۰۰ لاشه در این منطقه پیدا شد و در بهار ۲۰۱۲ نیز بیش از ۱۵۰ فوک مرده در نقاط مختلف ساحل داغستان پیدا شدند. این تکرار نشان می‌دهد مرگ دسته‌جمعی فوک‌ها دیگری حادثه استثنائی نیست، بلکه به بخشی از واقعیت تلخ اکوسیستم خزر تبدیل شده است.

### ضرورت همکاری کشورهای حاشیه خزر

«جمعیت فوک خزری رو به کاهش است.» این هشداری بود که درست پنج سال پیش از سوی مدیر مرکز حفاظت از فوک خزری ایران اعلام شد. اما با گذشت نزدیک به نیم‌دهه، چیزی درباره ادامه حیات تنها پستاندار دریاچه خزر تغییر نکرده است: «جمعیت فوک خزری رو به کاهش است.» از سال ۲۰۰۸ میلادی نام فوک خزری با توجه به تحقیقاتی که انجام شد نشان داد جمعیت این گونه طی قرن گذشته از بیش از یک میلیون به کمتر از ۱۰۰ هزار عدد رسیده و نام فوک خزری به عنوان موجودی که در خطر انقراض است وارد لیست قرمز IUCN و باعث جلب توجهات و تحقیقات بیشتر برای فوک خزری شد، اما این کاهش شدید جمعیتی که طی قرن گذشته بیش از ۹۰ تا ۹۵ درصد بوده، با توجه به عوامل تهدیدکننده برای این موجود، بسیار نگران‌کننده است. چنانچه این روند به همین منوال ادامه پیدا کند، آینده روشنی برای این موجود ارزشمند در دریای کاسپین وجود نخواهد داشت. چند سال پیش، در سال ۲۰۲۰، شکار قانونی در منطقه شمالی دریای خزر توسط روسیه ممنوع شد و این اقدام حجم زیادی از تلفات را کاهش داد؛ چون سالانه حدود دو تا پنج هزار مجوز شکار فروخته می‌شد و شکار به‌صورت قانونی انجام می‌گرفت. اما در مقابل، چند سالی است با این تلفات با علنی ناشناخته روبه‌رو هستیم. اما چه عامل بیماری‌زا و میکروبی باشد و چه مواد آلاینده و سموم محلول در آب، هر دو نشان می‌دهند شرایط دریای خزر مناسب نیست. فوک گونه‌ای است که در رأس این اکوسیستم دریایی قرار دارد و در حال ازبین‌رفتن و نزدیک‌شدن به انقراض است و قطعاً با این روند، آینده خوبی در انتظار این گونه نیست.»

به گفته امیر صیاد شیرازی هنوز هم آلودگی‌ها مهم‌ترین عامل محسوب می‌شوند: «مهم‌ترین عامل بحث آلودگی‌هاست که متأسفانه به علت محاصره دریاچه خزر و نیز مشترک‌بودن محیط آبی دریاچه خزر بین پنج کشور، کنترل بحث آلودگی‌ها بسیار دشوار است که دلیل آن نبود مشارکت برای بحث حفاظت و حاکمیت قوانین مختلف است که این امر باعث بروز صدمات بیشتر به اکوسیستم دریایی شده است.» حالا او امیدوار است این امکان وجود داشته باشد بحران پیش‌رو با همکاری توسط سایر کشورهای درگیر برطرف کرد: «اگر علت مشخص شود، حداقل می‌توان فهمید با چه چیزی مواجه هستیم. اگر بیماری ویروس باشد، متأسفانه کار زیادی نمی‌توان انجام داد؛ چون واکیسبایوسن در طبیعت ممکن نیست و حتی اگر واکنس وجود داشته باشد، برای ویروس آفت‌لواز چندان مؤثر نیست، زیرا این ویروس دانما جهش پیدا می‌کند و واکنس‌ها برای سویه‌های جدید کارایی ندارند. در نتیجه تمام تلاش ما متمرکز بر پیداکردن علت این مرگ‌های بی‌درپی است؛ هدفی که می‌کوشیم با همکاری کشورهای حاشیه خزر آن را محقق کنیم.»

**با ادامه مرگ‌های مشکوک تنها پستاندار دریای خزر و نامشخص ماندن علت اصلی تلفات، «شرق» گزارش می‌دهد**



### احتمال انتقال بیماری و آلودگی از همسایه

با وجود جدی‌بودن این بحران و آسیب چندجانبه‌ای که می‌تواند به همه ابعاد زندگی مردم ساحلی و اکوسیستم دریایی آن بزند، مردم چندان از اهمیت این حیوان آگاه نیستند. «سلیمان» در انزلی صیادی می‌کند و از آنجایی که در کانال‌های محیط‌زیستی شهرشان عضو است و از شبکه‌های اجتماعی هم اخبارشان را دنبال می‌کند، از مرگ فوک‌ها مطلع شده است: «من چون اهل پیگیری اخبار هستم، می‌دانم چند سال است این اتفاق رخ می‌دهد، اما مردم اطلاعات چندان ندارند. البته حق هم دارند، کسی به آنها یاد نداده است این حیوان چه ارزشی دارد. چند وقت پیش در یکی از متن‌ها خوانده بودم که وجود این حیوان در آب، روی بقیه موجودات دریایی هم اثر می‌گذارد. این یعنی اگر فوک باشد، بقیه ماهی‌ها هم هستند و کار من صیاد هم بهتر است. اصلاً چرا یک موجودی به این بزرگی که می‌گویند تنها پستاندار دریای خزر است، باید در آستانه نابودی و انقراض باشد و ما مردم اصلاً آن را نشناسیم، به خدا که حیف است.»

در شمال و شمال شرقی خزر، یعنی مناطق ساحلی روسیه و قزاقستان، پژوهشگران از سال‌ها پیش درباره کاهش جمعیت فوک‌ها هشدار داده بودند. برآوردها نشان می‌دهد جمعیت این گونه در مقایسه با اوایل قرن بیستم بیش از ۹۰ درصد کاهش یافته است. زمانی بیش از یک میلیون فوک در دریای خزر زندگی می‌کردند، اما امروز ارقام بسیار پایین‌تری مطرح می‌شود. کاهش ذخایر غذایی، آلودگی‌های صنعتی، صید بی‌رویه ماهیان و تخریب زیستگاه‌ها از جمله عواملی هستند که در این روند نقش داشته‌اند. کشورهای ساحلی دیگر نیز از این بحران بی‌نصیب نمانده‌اند. در سال‌های اخیر در سواحل جمهوری آذربایجان و قزاقستان نیز لاشه فوک‌های خزری مشاهده شده است. هم‌زمان، پایین‌رفتن سطح آب دریای خزر به نگرانی تازه‌ای تبدیل شده است. کاهش ورودی آب رودخانه‌ها و افزایش دما باعث شده بسیاری از زیستگاه‌های حساس این جانور کوچک‌تر شوند؛ مسئله‌ای که به‌ویژه در مناطق یخی شمال خزر اهمیت دارد؛ جایی که فوک‌ها برای زادآوری به آن وابسته‌اند. پژوهشگران هشدار می‌دهند ادامه افت تراز آب می‌تواند بخش بزرگی از محل‌های تولیدمثل این گونه را از بین ببرد. «حمیدرضا رضایی»، عضو هیئت‌علمی گروه محیط زیست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، پیش‌تر از مجموعه عوامل دخیل در مرگ فوک‌های خزری گفته بود که مجموعه‌ای از فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و دام‌پروری در سواحل پنج کشور حاشیه خزر می‌تواند در افزایش مرگ‌ومیر فوک‌ها نقش داشته باشد؛ «احتمال انتقال بیماری‌های مشترک ناشی از ورود فاضلاب‌های انسانی و دام‌پروری پنج کشور حاشیه خزر وجود دارد. به عبارت دیگر، مجموعه‌ای از عوامل محیطی می‌توانند شرایط را برای شیوع بیماری‌ها فراهم کنند و شدت آنها را افزایش دهند.» به همین دلیل هم بدون وجود یک عزم بین‌المللی، امکان برطرف‌کردن خطر زیستی برای این خطه از کشور ممکن نیست: «باید یک عزم ملی و بین‌المللی برای نجات فوک خزری وجود داشته باشد. نبود همکاری مؤثر و هماهنگ میان پنج کشور حاشیه خزر، چالش مهمی در مسیر شناخت علت دقیق این تلفات است. برای شناسایی علت مرگ‌ومیرها، به مطالعات مشترک و گسترده بین این پنج کشور نیاز است. این احتمال هم مطرح است که حتی اگر در برخی کشورها بررسی‌هایی انجام شده باشد، به دلایل مختلف منتشر نشده‌اند. در نتیجه ما باید بدانیم در ابتدا با چه مشکلی روبه‌رو هستیم و پس از آن برای حل مشکل دنبال راه چاره باشیم.»

## خبر

## تعطیلی موقت ۹۷۰ مدرسه غیردولتی متخلف

ایسنا، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه شاخص‌های تعیین شهریه هریک از مدارس و مراکز متفاوت است، لذا اسمال شهریه ۴۱ هزار مدرسه و مرکز را اعلام خواهیم کرد، گفت: «امسال با هزارو ۳۰۰ مدرسه متخلف برخورد شد و حدود ۹۷۰ مدرسه به صورت موقت تعطیل شدند». احمد محمودزاده درباره جزئیات تعیین شهریه در سال تحصیلی جدید گفت: «هفت آتم برای تعیین الگوی شهریه مشخص شده، که مدارس براساس این الگو و شاخص‌ها، پیشنهادهای خود را به منطقه اعلام می‌کنند. منطقه موظف است با حضور معاونین آموزشی و پرورشی، نماینده مؤسین مراکز و مدارس و نماینده انجمن اولیا و مربیان، نسبت به بررسی مدرسه و درخواست شهریه اقدام لازم را انجام دهند.» او با بیان اینکه پیشنهادات مؤسین یا تایید می‌شود یا نمی‌شود، افزود: «اگر تایید شود، شهریه پیشنهادی در فرایند استثنائی و شورای تعیین شهریه بررسی می‌شود. اگر باز هم تایید شد، شهریه ابلاغ می‌شود. اما اگر تایید نشد، درخواست به منطقه بازمی‌گردد.» او با بیان اینکه اگر مؤسس اعتراضی به فرایند شهریه و میزان افزایش داشته باشد، اعتراض در سامانه ثبت، در وزارت آموزش و پرورش و در کمیته تخصصی شهریه بررسی و نسبت به شهریه مدرسه یا مرکز تصمیم‌گیری انجام شده و ابلاغ صورت می‌گیرد، ادامه داد: «همه فرایندها سال‌هاست سامانه‌ای انجام می‌شود و هیچ فرایندی به صورت دستی اتفاق نمی‌افتد.» محمودزاده درباره میزان شهریه‌ها گفت: «سال گذشته کف شهریه برای دوره ابتدایی ۲۰ میلیون تومان، برای دوره متوسطه اول ۲۲ میلیون، برای دوره دوم متوسطه ۲۵ میلیون و برای هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای ۲۸ میلیون تومان بود که میزان افزایش شهریه اسمال به مقدار سال قبل اضافه می‌شود.» او با بیان اینکه میزان افزایش شهریه را به صورت درصدی اعلام نمی‌کنیم، افزود: «هر مدرسه متناسب با پیشنهادهایی که از سوی مؤسین داده می‌شود و براساس آتم‌هایی که در ماده ۱۵ طرح است، درخواست خود را ثبت می‌کند؛ طبق مجوز دریافتی از سازمان حمایت و راد تنظیم بازار، میزان افزایش شهریه را روی درخواست‌های مؤسسان اعلام می‌کنیم. از این رو درصد افزایش شهریه هر مدرسه فرق دارد و این درصد برای مدارس و مراکز یکسان نیست.»

## موضوع: آگهی مناقصه عمومی مربوط به تهیه، طبخ و توزیع غذا و مدیریت رستوران

## کمپ طرح توسعه میدان نفتی آزادگان جنوبی شماره مناقصه: ccc/T/۱۴۰۵/۲

می‌بایست تا روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۴ در سامانه مناقصات توسط شرکت کنندگان بارگذاری گردد.

- اسکن فرم های اطلاعات مناقصه گر و اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به همراه باقیی مدارک می بایست در سامانه مناقصات بارگذاری گردد.
- دارا بودن شخصیت حقوقی، ارائه اساسنامه، اکهپی تأسیس، اکهپی آخرین تغییرات و شناسه ملی و کد اقتصادی مطابق جداول ارزیابی کیفی الزامی می باشد.
- چنانچه در مرحله ارزیابی کیفی مشخص گردید شرکت های متقاضی از مدارک جعلی یا اطلاعات خلاف واقع، تهدید، رشوه و نظایر این برای صلاحیت خود استفاده نموده اند، مطابق قوانین و مقررات با متخلف رفتار خواهد شد.
- ارائه سوابق و مدارک هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد. -درآی امپیل کارشناسان مناقصه فوق به شرح زیر می باشد: Rezaeimofrad.sh@ppars.com.zahabi.al@ppars.com
- حداقل امتیاز قابل قبول در ارزیابی کیفی جهت گشایش پاکت فنی مناقصه گران ۶۰ ( شصت) امتیاز می باشد.
- شرکت هایی که امتیاز لازم در ارزیابی کیفی را کسب نمایند، قابلیت ارائه پاکتهای الف و ج را خواهند داشت.
- فرم های اطلاعات مناقصه گر و اعلام آمادگی شرکت در مناقصه به همراه باقیی مدارک می بایست در مدارک ارزیابی کیفی ارائه گردد و در سامانه فوق الذکر بارگذاری گردد.
- تمام صفحات مدارک ارزیابی کیفی باید توسط صاحبان امضاء مجاز مهر و امضاء گردیده به مناقصه گذار تسلیم گردد. (در سامانه بارگذاری گردد).
- شرکت کنندگان می بایست اسناد کیفی را در سامانه (Tender.ppars.com) بارگذاری نمایند.
- برخی نکات مهم:**
  - هزینه درج اکهپی در روزنامه بر عهده برنده مناقصه می باشد.
  - شرکت کنندگان نباید در لیست سیاه شرکت ملی نفت، شرکت پتروپارس و ... قرار داشته باشند.
  - توضیح: درصورت هرگونه نقص در ارائه مستندات و یا عدم تکمیل فرم‌ها، ارزیابی کیفی و تشخیص صلاحیت متقاضنی قابل بررسی نمی باشد و ارائه مدارک ارزیابی و عدم تایید صلاحیت، هیچگونه حقیی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
  - شرکت پتروپارس در بررسی مستندات و نیز در رد یا قبول هریک یا تمام مستندات ارائه شده توسط شرکت ها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است. بدیهی است حق هر گونه ادعا در این خصوص از مناقصه گران سلب می گردد.

## روابط عمومی و امور بین الملل گروه پتروپارس

- کلیه مدارک درخواستی مربوط به ارزیابی کیفی در جداول ارزیابی کیفی